

آسیب‌شناسی تربیت دینی فرزندان

اعظم نوری*

اشاره

تربیت فرزندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا موفقیت و فتح قله‌های پیشرفت جامعه به دست توانمند فرزندان حاصل می‌شود؛ از این رو امروزه در جامعه بودجه‌های کلانی هزینه می‌شود تا نیروهایی توانمند، دین‌مدار و آینده‌ساز تربیت گردد. آسیب‌شناسی تربیت دینی نیز همانند اصل تربیت اهمیت دارد؛ زیرا آسیب‌زدایی لازمه تربیت فرزندان نقش‌آفرین و موفق است. اگر کشاورز در ایجاد شرایط لازم برای رشد محصول به آب، بذر و کود نیاز دارد، در کنار آن باید آفت‌ها را از محصول بزدايد، وگرنه تلاشش بی‌نتیجه خواهد بود. گفتنی است نوجوانان و جوانان نه تنها دین‌ستیز نیستند، بلکه دین‌باور و تربیت‌پذیرند؛ جهانی‌شدن و رشد ارتباطات ماهواره‌ای و رایانه‌ای هویت مذهبی او را ناشناخته قرار داده است. از این رو مشکلات تربیت دینی معلول ماهیت

* کارشناس ارشد رشته تفسیر، پژوهشگر مطالعات زنان و خانواده جامعه‌الزهراء علیها السلام.

خود دین نیست، بلکه علت یا علل آن را باید در خارج از آموزه‌های دینی جستجو کرد. بنابراین این سؤال طرح می‌شود: چرا تربیت دینی با مشکلاتی روبروست؟ این نوشتار می‌کوشد «آسیب‌شناسی تربیت دینی» را تبیین کند.

عرضه‌های آسیب تربیت دینی

۱. ناهمگونی گفتار و رفتار والدین

والدین نقشی کلیدی در رفتار و باورهای فرزند ایفا می‌کنند؛ چراکه بیشتر اوقات با والدین در ارتباط هستند؛ از این‌رو فرزند با الگوبرداری از رفتارهای والدین بسیاری از آداب دینی و معاشرت را می‌آموزد؛ برای مثال اگر والدین در نماز پایبندی نداشته باشند، فرزند نیز بدان اهمیت نمی‌دهد. بر اساس تحقیقات «بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات، سستی و کاهلی از خود نشان می‌دهند، بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند، بلکه به جهت بی‌توجهی یا عدم تقید والدین نسبت به انجام به‌موقع تکالیف دینی و عبادی است. از سوی دیگر فرزندان با مشاهده صحنه‌های عبادت والدین از آن تأثیر می‌پذیرند؛ زیرا تجربه، تفکر و تعلیم وسایلی هستند که به انسان قدرت تشخیص می‌دهد».^۱

متأسفانه نبود هماهنگی میان گفتار و رفتار والدین یکی از مهم‌ترین آسیب‌های تربیت دینی است. اگر فرزند شاهد این ناهمگونی باشد، باورها و اعتقادات دینی او تضعیف و سخنان والدین اثر ندارد؛ یعنی اگر والدین فرزند خود را به راست‌گویی سفارش کنند، در حالی که خود

دروغ بگویند، این رویکرد سبب عدم اعتماد فرزندان در دیگر مؤلفه‌ها و آموزه‌ها نسبت به والدین می‌شود.

بزرگی سراسر به گفتار نیست دو صد گفته چون نیم کردار نیست

قرآن عدم همسویی گفتار و رفتار را نکوهش می‌نماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که عمل نمی‌کنید. نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید.

نتیجه همسویی گفتار و رفتار والدین در این نمونه دیده می‌شود: روزی از سهل شوشتی - از اهل کرامت - پرسیدند: چگونه به این مقام رسیدی؟ پاسخ داد: در کودکی نزد دایم زندگی می‌کردم. وقتی هفت‌ساله بودم، نیمه‌شب از خواب برای قضای حاجت بیدار شدم. وقتی که برگشتم بخوابم، دایم را دیدم که رو به قبله نشسته و عبایی به دوش کشیده، عمامه‌ای دور سرش پیچیده و مشغول خواندن نماز است. از حالت او خوشم آمد. کنارش نشستم تا نمازش تمام شد. آن‌گاه از من پرسید: پسر چرا نشسته‌ای؟ برو بخواب! گفتم از کار شما خوشم آمده و می‌خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: نه برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز این ماجرا تکرار شد و دایم به من گفت: برو بخواب. گفتم دوست دارم هرآنچه شما می‌گویید، من هم تکرار کنم. دایم مرا رو به قبله نشانید و گفت: یک مرتبه بگو یا حاضر یا ناظر، من هم تکرار کردم. سپس گفت: برای امشب کافی است، حالا برو بخواب. این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت یا حاضر یا ناظر را چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم

۱. صف: آیه ۲ و ۳. ر.ک به: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۴۹.

وضوگرفتن را هم آموختم و پس از آنکه وضو می‌گرفتم، هفت مرتبه می‌گفتم: یا حاضر یا ناظر. بالأخره کار به جایی رسید بدون اینکه نزد دایی‌ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته آن اذکار را تکرار می‌کردم و از این کار بی‌نهایت لذت می‌بردم. اکنون رسیدن به این مقام را از لطف رفتار دقیق و منصفانه دایی‌ام در آن دوران حساس زندگی می‌دانم.^۱

۲. تربیت مستقیم

برای تربیت دینی فرزندان می‌توان از روش‌های گوناگونی بهره جست: گاه اقتضای وضعیت استفاده از روش مستقیم است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: ﴿قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ﴾^۲؛ گفت: من عمل شما را دشمن می‌دارم.

اما در بسیاری از موارد - به‌ویژه آموزش‌های عقاید - تأثیر بیان غیرمستقیم بیشتر است؛ زیرا همه به توصیه‌ای که خطاب به آنان نباشند، گوش می‌سپارند؛ ولی حاضر نیستند توصیه خطاب به خود را بشنوند. متأسفانه در جامعه ما تقویت باورهای دینی به روش مستقیم بسی شایع‌تر است و در زمینه روش‌های غیرمستقیم به‌ندرت چاره‌اندیشی می‌شود. گویا تنها راه مستقیم وجود دارد؛ غافل از اینکه سبک‌های غیرمستقیم رایج امروزه در جهان کارآمدی ویژه‌ای دارد. به فرموده امام صادق علیه السلام خطاب‌های قرآن گرچه به پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ ولی در واقع مؤمنان مخاطب هستند. امام صادق علیه السلام فرمود: «نَزَلَ الْقُرْآنُ بِإِيَّائِكَ أَغْنَىٰ وَ أَسْمَعَىٰ يَا جَارَةَ»^۳؛ قرآن به سبک

۱. اصغر محمدی همدانی، توشه‌ای از خرمن نماز، ص ۱۲۵.

۲. شعراء: آیه ۱۶۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۱.

این ضرب‌المثل عربی نازل شده است که می‌گوید: به تو می‌گویم، ولی ای همسایه تو بشنو.

امام صادق علیه السلام در جایی دیگر می‌فرماید: «هرجا خداوند بلندمرتبه پیامبرش را سرزنش کرده، مقصودش دیگران است؛ مانند آنچه در سوره اسرا آمده که می‌فرماید: اگر ما تو را ثابت‌قدم نمی‌کردیم، نزدیک بود به سوی آنان [کافران] متمایل شوی».^۱

گفتنی است با توجه به اینکه «اروپا در جنگ‌های صلیبی از راه شمشیر ضرر کرد، اکنون تصمیم گرفته تا از راه تبشیر به مقاصد خود برسد. اروپا می‌خواهد با این جنگ صلیبی جدید، بدون خون‌ریزی به هدف برسد. اروپا برای رسیدن به این هدف کلیسا، مدارس، بیمارستان و ... را استخدام و مبشرین را منتشر کرده است».^۲

۳. بد معرفی نمودن اسلام

یکی دیگر از عوامل مؤثر در آسیب‌رسانی به تربیت دینی، برداشت‌های ناصحیح و غیرمنطقی از آموزه‌های دینی و انتقال آن به نسل جوان است؛ یعنی بعضی نتوانسته‌اند واژه «دین» را صحیح و کارآمد به نسل جوان تفهیم کنند؛ به گونه‌ای که نیاز به معنویت فقط هنگام سختی‌ها و گرفتاری‌ها مفید است و در سایر مواقع نیازی به دین نیست. از این‌رو برای دین‌نقشی در زندگی روزمره خود قایل نیستند؛ در حالی که دین همان «زندگی» است؛ از این‌رو برخی جوانان دین را با عزلت، ترک شادی‌ها، لذت‌ستیزی و التزام به باور دینی را ملازم افسردگی و دل‌مردگی می‌پندارند. در حالی که روش آموزگاران نخستین دین چنین نبوده است؛

۱. همان.

۲. مرتضی نظری، بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت، ص ۲۵۰.

برای مثال زمانی که پیامبر ﷺ تصمیم گرفت امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ و معاذ را برای آموزش دین به یمن بفرستد، به ایشان فرمود: «يَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا وَيَسِّرُوا وَلَا تُنْفِرُوا»؛^۱ آسان بگیرید و سخت نگیرید، بشارت دهید و نفرت ایجاد نکنید.

اسلام بر خلاف پاره‌ای ادیان ساختگی، سرکوبی خواسته‌های طبیعی مانند تغذیه، تفریح و ارضای غرایز جنسی را هدف قرار نداده است، بلکه فقط آنها را کنترل می‌کند تا به اهداف برتر آدمیان صدمه وارد نیاید؛ ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ﴾؛^۲ خداوند نمی‌خواهد برای شما تنگنا و رنج قرار دهد؛ ولی می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما کامل گرداند.

این نمونه از نتایج بد معرفی نمودن دین است:

مرحوم سید قطب می‌گوید به یکی از شهرهای آمریکا رفتیم. دیدم دم در کلیسا اطلاعیه‌ای نصب کرده‌اند: «امشب یک برنامه رقص و شادی و شام سبک و موسیقی اجرا می‌شود!» تعجب کردم که کلیسا به چه مناسبت اینها را اعلام کرده است! کنجکاو شدم در آن ساعت معین بروم بینم چه خبر است. دیدم یک سالن رقص کنار سالن کلیساست؛ زوج‌های جوان می‌آیند و می‌رقصند و موسیقی‌های محرک و شهوانی هم پخش می‌شود! افراد کمی مسن‌تر هم کنار نشسته‌اند و تماشا می‌کنند و از نگاه کردن لذت می‌برند! کشیش هم اواخر شب روی سن ظاهر شد و با رفتار خیلی آرام و ملایم نور چراغ‌ها را تنظیم کرد! می‌گوید فردا سراغ کشیش رفتیم؛ گفتم شما کشیش هستید یا کاباره‌دار؟! اینجا کلیساست یا سالن رقص؟! کشیش

۱. ابن ابی‌جمهور، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. مائده: آیه ۶. ر.ک به: *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۵، ص ۲۱۹.

گفت به این وسیله می‌خواهم جوان‌ها را به کلیسا جذب کنم!^۱

۴. سیاست‌زدگی در دین‌داری

رشد و بلوغ سیاسی یکی از نیازهای جدی فرزندان است؛ زیرا فرزندان ما شاید در تشخیص حق و باطل دچار مشکل و برخی فرزندان تحت تأثیر افکار دشمن قرار گیرند. این امر ناشی از آن است که برخی جوانان در خانواده‌ای بزرگ شده‌اند که از رشد و بلوغ سیاسی برخوردار نیستند؛ مهم‌تر از آن جناح‌بندی و گرایش‌های سیاسی خود والدین است؛ اینان نه‌تنها به بلوغ سیاسی فرزندان خود کمک نمی‌کنند، بلکه به دلیل علاقمندی به جناحی خاص، اشکالات عملکرد آنها را نادیده می‌انگارند و مطلوب جناح خود را در جایگاه آموزه‌های سیاسی دین معرفی می‌نمایند و مطلوب جناح طرف را باطل جلوه می‌دهند.

والدین در این میان وظیفه دارند فرزندان خود را به گونه‌ای تربیت کنند که قدرت تشخیص حق از باطل را داشته باشند. لازمه این امر آشنایی فرزندان با آموزه‌های سیاسی است؛ زیرا دین معیارهای حق و باطل را بیان کرده و عقل را به وی عطا کرده است. در سراسر قرآن همه انسان‌ها را به تفکر، تعقل و تدبّر فراخوانده است. صدها روایت از معصومان علیهم‌السلام نیز درباره عقل و کاربردهای گوناگون آن در اصول و فروع دین وجود دارد. امام صادق علیه‌السلام در تبیین عقل فرمودند: «مَا عُجِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ أُكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ»؛^۲ عقل آن است که خدای رحمان به آن عبادت و بهشت جاویدان با آن کسب می‌شود. همچنین امام حسین علیه‌السلام فرمود: «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا

1. <http://farsi.khamenei.ir>

۲. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۱۱.

بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ»؛^۱ عقل جز با پیروی از حق کامل نمی‌شود. بنابراین انسان‌ها باید به مدد حق، به تکمیل عقل و خردورزی بپردازند.

۵. بی‌توجهی به شرایط زمان

با وضعیت حاصل برای نسل موجود، این نسل در گرایش به ارزش‌های اجتماعی و اعتقادی مطلوب تا حدود قابل ملاحظه‌ای با نسل قبل از خود، یعنی پدران و مادران خویش متفاوت است. این امر ناشی از مسائل گوناگونی از جمله پدیده جهانی شدن، رشد خارق‌العاده ارتباطات ماهواره‌ای و رایانه‌ای، امکان دستیابی جوانان و نوجوانان در دهکده کوچک جهانی به همدیگر، آشنایی نسل حاضر با شیوه‌های جدید زندگی و تنوع تأمین نیازهاست.

متأسفانه عنصر زمان که از شرایط لازم تربیت است، کمتر مورد توجه والدین است. گاهی والدین روش‌های متعلق به نسل و مقتضیات زمان دیگر را به اجبار به فرزندان خویش تحمیل می‌نمایند؛ در حالی که فرزندان به دلیل تغییر شرایط و موقعیت اجتماعی، به دنبال خواسته‌ها و مطالبات دیگری هستند. علی علیه‌السلام می‌فرماید: «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ»؛^۲ فرزندان را بر آداب خود تربیت نکنید؛ چراکه آنها برای [آینده و] زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

کینگرلی دیویس می‌گوید: «والدین در تلاش برای اجتماعی کردن فرزندان سعی دارند محتویات کهن فرهنگی را به آنان بیاموزند و فراموش می‌کنند از دوران کودکی خودشان تاکنون، زندگی به طور فزاینده‌ای دگرگون

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۷.

۲. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

شده است. والدین فراموش می‌کنند آنچه برای خودشان نهادینه شده است، برای نوجوانان و جوانان بسیار انتقادبرانگیز یا بیزارکننده است.^۱ کانت نیز می‌نویسد: «یکی از اصول تعلیم و تربیت که همواره باید مورد توجه دست‌اندرکاران برنامه‌های تربیتی باشد، این است که کودک نباید تنها بر حسب وضع فعلی نوع بشر پرورش یابد، بلکه باید او را بر اساس شرایط آینده تربیت کرد؛ معمولا والدین فرزندان را تنها برای اینکه با شرایط موجود زندگی سازگار باشند، تربیت می‌کنند؛ حال آنکه می‌بایست به آنان تعلیم و تربیت مناسب‌تری داد تا بتوانند فرزندان آینده باشند». ^۲ برای حل چنین مشکل، والدین باید با تلفیق ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعتقادات اصیل با روش‌های نوین، نسل جدید را با آموزه‌های دینی گذشته بهتر آشنا کنند. شهید مطهری رحمته‌الله می‌گوید: «عصر ما از نظر دینی و مذهبی - خصوصا برای طبقه جوان - عصر اضطراب و دودلی و بحران است. مقتضیات عصر و زمان، یک سلسله تردیدها و سؤال‌ها به وجود آورده و سؤالات کهنه و فراموش‌شده را نیز از نو مطرح ساخته است». ^۳ بنابراین فرزندان خواهان فهم دقیق و روزآمد از معارف دینی هستند و باید برای زندگی در جامعه فردا تربیت شوند که ویژگی‌های خاص خود را دارد.

۶. سهل‌انگاری والدین نسبت به تربیت دینی فرزندان

یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌پذیری تربیت دینی نوجوانان و جوانان

۱. غلام علی سرمد، *درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت*، ص ۱۸۰

۲. امانوئل کانت، *تعلیم و تربیت*، ص ۶۹.

۳. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱، ص ۳۷.

به‌ویژه در عصر حاضر، معلول‌سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی بیش از حد خانواده‌ها در تربیت دینی فرزندان است. امروزه پرداختن والدین به رفع تنگنایهای اقتصادی، دغدغه‌لباس و تحصیل فرزندان، نقش نهاد خانواده را در تربیت دینی کم‌رنگ نموده است. چه‌بسا خانواده‌هایی که بیش از آنکه غم هویت، ثبات شخصیت و تربیت حقیقی فرزندان را داشته باشند، حریص رفع نیازهای نه‌چندان مهم او هستند. به همان اندازه که پیگیر یادگیری و آموزش کامپیوتر، زبان، کنکور و ... آنان هستند، دغدغه تربیت الهی او را ندارند. بر این اساس والدینی که به تربیت دینی فرزندان اهمیتی ندارند، از نظر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منفور هستند؛ چنان‌که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعضی کودکان را دید و فرمود: «وای به فرزندان آخرالزمان، به دلیل [بی‌توجهی و] روش ناپسند پدرانشان! عرض شد: ای رسول خدا! از پدران مشرک آنها؟ فرمودند: نه، بلکه از پدران مسلمان آنان که هیچ‌یک از واجبات احکام دینی را به فرزندان خود نمی‌آموزند و هرگاه فرزندانشان درصدد تعلیم مسائل دینی باشند، آنان را از این امر باز می‌دارند و به ناچیزی از امور مادی درباره آنان قانع هستند. من از این قبیل مردم بری و بیزارم و آنان نیز از من بیزارند».^۱ از همه مهم‌تر اینکه برخی خانواده‌ها به دلیل عادات‌ها و باورها، راهکارهایی را در تربیت دینی فرزندان درست می‌دانند؛ در حالی که این راهکارها با آموزه‌های دینی همسویی ندارد. همچنین رفتار نامعقول برخی از خانواده‌ها از قبیل تشویق نکردن فرزندان به انجام اعمال دینی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن خواندن و ...، سبب خستگی شدن تلاش‌های معلمان در زمینه تربیت دینی فرزندان می‌شود.

۱. محمد بن محمد شعیری، جامع‌الأخبار، ص ۱۰۶.

بر اساس مطالعات و تحقیقات تا زمانی که اعضای خانواده‌ها به اعتقادات مذهبی خود پایبند باشند، فرزندان‌شان کمتر از دین و آموزه‌های دینی گریزان هستند. در پژوهش صورت‌گرفته توسط مرکز تحقیقات اجتماعی کشور مصر، ۷۲٪ نوجوانان بزهدار جزء خانواده‌های بی‌اهمیت به مسائل دینی بوده‌اند.^۱

تحقیقات صورت‌گرفته در کشور ما نیز مؤید همین مطالب است. اگر دیده می‌شود جوانان نسبت به مسائل دینی رغبت ندارند، مربوط به عوامل محیطی و خانوادگی است؛ در حالی که تربیت دینی بر اساس آموزه‌های دینی از وظایف اولیه والدین است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَجْرَارُ»^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ‌هاست، حفظ کنید.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُعْفَوْ لَكُمْ»^۳ فرزندان‌تان را احترام کنید و آداب آنان را نیکو کنید تا آمرزیده شوید.

۷. سخت‌گیری غیرمنطقی

قرآن کریم «آسانی» را یکی از اصول شریعت معرفی نموده است: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

۱. محمدرضا طالبان، دین‌داری و بزهداری، ص ۳۸.

۲. تحریم: آیه ۶.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۲.

۴. بقره: آیه ۱۸۵.

روح احکام اسلامی نیز با آسان‌گیری همراه بوده و بسیاری از واجبات دینی مشروط به توانایی جسمی و مالی است مانند استطاعت برای فریضه حج؛ شاید هم وجود امور مکروه یا مستحب نیز تأییدی بر عدم سخت‌گیری دینی است. برخی والدین با برخوردهای خشن و افراط و تفریط‌ها سبب دین‌گریزی فرزندان می‌شوند؛ برای مثال تذکر همیشگی بر نمازخواندن دیگران امری واجب نیست؛ اما برخی والدین با اجبار فرزندان خود را حتی قبل از سن تکلیف وادار به نماز می‌کنند یا درباره پوشش فرزندان بی‌توجه به شرایط سنی و ویژگی‌های فردی سخت‌گیری‌هایی دارند که از جانب دین نیست.

شخصی تعریف می‌کرد: فرزند خردسالش را هر روز با خود به مسجد می‌برد تا با فضای مسجد مانوس شود؛ اما وقتی فرزند سه‌ساله با مهرهای نماز بازی می‌کرده، یکی از اهالی مسجد با خشم و فریاد مهرها را از دست او گرفته و می‌خواهد آن کودک به مهرها دست نزنند که شاید آلودگی در دستان او باشد. این کودک با ترس عجیبی به سوی مادرش می‌رود و تا مدت‌ها از رفتن به مسجد ترس داشت. نمونه این برخوردها را شاید بسیاری از نوجوانان و جوانان فراری از محافل مذهبی در خاطر داشته باشند.

نتیجه

تربیت در شخصیت‌سازی و دین‌مداری فرزندان نقشی بنیادی دارد و گاهی تربیت صحیح دگرگونی در فرزند ایجاد می‌کند. نمونه آن معاویه دوم (فرزند یزید) است که پدرش قاتل حضرت اباعبدالله علیه السلام که عمری را در می‌گساری و فساد سپری کرده و مادرش از زنان بدنام و جدش

ابوسفیان و پدربزرگش معاویه که در شرارت و قساوت و فساد زندگی همانند نداشت؛ اما استاد و مربی نمونه به معاویه دوم جهت بخشید که پس از مرگ یزید منبر رفت و پس از حمد و ثنای خدا، به رسول اکرم ﷺ و اهل بیتش درود فرستاد، سپس علی علیه السلام و خاندانش را به نیکی یاد کرد و گفت: ای مردم جدم معاویه و پدرم یزید، غاصب حق خلافت بودند و بر من سخت و ناگوار است که می‌دانم آنها الان به عذاب الهی دچارند. مردم! خلافت حق علی علیه السلام و فرزندان اوست؛ بروید و امام حق را بشناسید. پس از بررسی‌های فروان فهمیدند استاد او از شیعیان اهل بیت علیهم السلام بوده است.^۱